

نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین الگوی ارتباطی خانواده با مسئولیت‌پذیری شخصی در نوجوانان

The mediating role of emotional intelligence in the relationship between family communication pattern and personal responsibility in adolescents

Zainab Pendar

Ph.D. Student of Counseling, Department of Counseling, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Esfandiar Azad*

Associate Professor, Behavioral Sciences Research Center, Life Style Institute, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Esazad@yahoo.com

Faramarz Sahrabi

Professor of Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

زینب پندار

دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، گروه مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اسفندیار آزاد (نویسنده مسئول)

دانشیار، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، پژوهشکده سبک زندگی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، تهران، ایران.

فرامرز سهرابی

استاد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Abstract

The aim of this study was to investigate the mediating role of emotional intelligence in the relationship between family communication patterns and personal responsibility in adolescents. The present study is basic research in terms of purpose and a correlational study in terms of method. The statistical population of the present study was all male and female students in the second secondary school in Tehran from Allameh Shearani sample school for boys in region 2 and Nikan sample school for girls in region 2 in 2022, among them, 300 people were selected as a sample using an available sampling method. Research questionnaires included: The personal Responsibility Scale (PRSA, Mergler & Shield, 2016), the Family Communication Patterns Questionnaire (FCP, Koerner & Fitzpatrick, 2002), and the Emotional Intelligence Questionnaire (EIQ, Bradberry & Greaves, 2005). Structural equation modeling (SEM) was used to analyze the data. The results of the SEM indicated that the model fit in well. The findings showed that conversation orientation and conformity orientation with emotional intelligence and emotional intelligence had a direct relationship with personal responsibility ($p < 0.001$). Also, conversation orientation and conformity orientation could indirectly predict personal responsibility in adolescents through emotional intelligence ($p < 0.001$). It can be concluded that family communication patterns & emotional intelligence play a key role in adolescents' personal responsibility, and it is necessary to pay attention to these factors in interacting with each other in personal responsibility promotion programs.

Keywords: family communication pattern, personal responsibility, emotional intelligence.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین الگوی ارتباطی خانواده با مسئولیت‌پذیری شخصی در نوجوانان انجام شد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های بنیادین و از لحاظ روش از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه دانش آموزان دختر و پسر در مقاطع دوره متوسطه دوم شهر تهران از مدرسه نمونه دولتی پسرانه علامه شعرانی منطقه ۲ و نمونه دولتی دخترانه نیکان منطقه ۲ در سال ۱۴۰۱ بودند که از بین آنها به صورت در دسترس ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل مقیاس مسئولیت‌پذیری شخصی (PRSA، مرگلر و شیلد، ۲۰۱۶)، پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده (FCP، کوئرر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲) و پرسشنامه هوش هیجانی (EIQ، برادبری و گریوز، ۲۰۰۵) بودند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل معادلات ساختاری حاکی از برازش مناسب مدل بود. یافته‌ها نشان داد که جهت‌گیری گفت و شنود و همنوایی با هوش هیجانی و هوش هیجانی با مسئولیت‌پذیری شخصی رابطه مستقیم داشتند ($p < 0.001$). همچنین جهت‌گیری گفت‌و‌شنود و همنوایی به صورت غیر مستقیم از طریق هوش هیجانی توانستند مسئولیت‌پذیری شخصی در نوجوانان را پیش‌بینی کنند ($p < 0.001$). از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که الگوی ارتباطی خانواده و هوش هیجانی نقش کلیدی در مسئولیت‌پذیری شخصی نوجوانان دارند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر در برنامه‌های ارتقای مسئولیت‌پذیری ضروری است.

واژه‌های کلیدی: الگوی ارتباطی خانواده، مسئولیت‌پذیری شخصی، هوش هیجانی.

نوجوانی^۱ دوره انتقال ویژه‌ای است که با تغییرات جسمی و روانی همراه است. در واقع دوره نوجوانی، دوره‌ای آکنده از تعارض و نوسان است، چراکه نوجوان بین حالت وابستگی کودکی و حالت استقلال در بزرگسالی قرار دارد (اوربان^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). به عبارتی دیگر، نوجوانان نسبت به کودکان و جوانان، کشمکش‌های مکرر و شدیدتری با خانواده دارند که علت آن تعارض بین وابستگی و خودمختاری است (راپی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). به اعتقاد اکثر صاحب نظران مفاهیمی چون جستجوی هویت، انسجام شناختی و هیجانی، انتخاب شغل، مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی و مواردی از این دست در دوره نوجوانی پراهمیت است (ویجایاکومار^۴ و همکاران، ۲۰۱۸). از آنجایی که در این مرحله از زندگی، نوجوان به دنبال کسب هویت و استقلال خویش است یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در مستقل شدن نوجوان کسب مهارت مسئولیت‌پذیری^۵ است (ماملی^۶ و همکاران، ۲۰۱۹). مسئولیت‌پذیری معانی ضمنی زیادی دارد و یک ویژگی شخصیتی است که در ساختار روانی و رفتاری فرد شکل می‌گیرد و متغیر عمده و اساسی در عملکردهای فردی و اجتماعی محسوب می‌شود (وانگ^۷ و همکاران، ۲۰۲۰). مسئولیت‌پذیری را به دو بخش مسئولیت‌پذیری فردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تقسیم میکنند که در این پژوهش به مسئولیت‌پذیری فردی پرداخته می‌شود. مسئولیت‌پذیری فردی به این معناست که فرد خود را در برابر خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و هم چنین نیازها و بهروزی دیگران مسئول باند (آلن^۸ و همکاران، ۲۰۱۸).

معمولاً شاخص‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری با عملکرد تحصیلی، سلامت روان، کیفیت روابط دوستانه نزدیک و رفتارهای هم‌بسته با طول عمر در آمیخته است (پالامارچاک^۹ و همکاران، ۲۰۲۲). بر همین اساس رشد مسئولیت‌پذیری در نوجوانان همواره یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت بوده است؛ چراکه یکی از عوامل اصلی که می‌تواند به انتخاب‌های نوجوانان پختگی ببخشد میزان مسئولیت آن‌ها در کارهای شخصی است (واتسون^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۱). تنها با آگاهی از علت‌های یک انتخاب و اراده برای پذیرش مسئولیت است که افراد می‌توانند به دنبال تغییر شرایط، دیدگاه‌ها و نتایج آن‌ها باشند و گرنه کوشش برای تغییر بی‌معناست و احساس بی‌قدرتی و انفعال فرد را از اصلاح در زندگی خود باز خواهد داشت (افشاری و همکاران، ۱۴۰۱). در واقع مسئولیت‌پذیری نه تنها در جامعه‌پذیری و سازگاری فرد با اجتماع و همسالان نقش دارد بلکه بسیاری از عملکردهای نوجوان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سیا^{۱۱}، ۲۰۲۲). به همین دلیل، پژوهشگران از حیطه‌های گوناگون به موضوع مسئولیت‌پذیری شخصی علاقه‌مند شده‌اند و عوامل بسیاری می‌توانند با مسئولیت‌پذیری شخصی نوجوانان در ارتباط باشند و آن را تحت تأثیر قرار دهند.

یکی از این عوامل الگوی ارتباطی خانواده^{۱۲} است (شاکری و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از مدل‌های مطرح در خانواده که به تعاملات در خانواده و نقش آن در سازگاری مؤثر با محیط پرداخته است، مدل الگوی ارتباطی خانواده است (پرامونو^{۱۳}، ۲۰۲۰). خانواده به‌عنوان نهادی که زمینه و بستر آموزش و رشد روانی- اجتماعی فرزندان را فراهم می‌سازد؛ نقش بسزایی در وضعیت روانی فرزندان دارد و از اعضای تشکیل شده که به‌گونه‌ای پویا و مرتبط، با یکدیگر وابسته‌اند و به همین دلیل نیز رفتارشان به‌صورت کاملاً مجزا از کل سیستم خانواده قابل بررسی نیست (مام شریفی و همکاران، ۱۴۰۰). از طرف دیگر ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها را نیز باید در روابط اعضای خانواده و روش‌های تربیتی والدین جستجو کرد (لافرینییر و کولکرنی^{۱۴}، ۲۰۲۲). اکثر مشکلات رفتاری نوجوانان منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به‌ویژه والدین است؛ به عبارت دیگر وجود مشکلات رفتاری فرزندان به‌منزله روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است

1 adolescence

2 Orben

3 Rapee

4 Vijayakumar

5 responsibility

6 Mameli

7 Wang

8 Allen

9 Palamarchuk

10 Watson

11 Cai

12 family communication pattern

13 Pramono

14 LaFreniere & Kulkarni

و به روش‌های تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آنان با فرزندان ارتباط دارد (سیسی^۱، ۲۰۲۰). اصولاً مفهوم الگوی ارتباطی خانواده با طرح‌واره‌های ارتباط خانواده، ساختار علمی از دنیای ظاهری خانواده است که بر اساس ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و اینکه اعضاء چه چیزی به یکدیگر می‌گویند و چه کار انجام می‌دهند و اینکه چه معنایی از این ارتباطات دارند، تعریف می‌شود (کلار تا^۲ و همکاران، ۲۰۲۲).

دو بعد، جهت‌گیری اجتماعی و جهت‌گیری مفاهیم برای توصیف ارتباطات درون خانواده وجود دارد و دو بعد زیربنایی جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری هم‌نواپی در الگوهای ارتباطی خانواده شناسایی شده است (سپوتری^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). جهت‌گیری گفت‌و شنود را به میزانی که خانواده‌ها فضای آزاد و راحتی برای شرکت اعضای خانواده در موضوعات مختلف ایجاد می‌کند، تعریف کرده‌اند (هانسون و اولسون^۴، ۲۰۱۸). در این‌گونه خانواده‌ها عقاید متنوع و متفاوت مورد پذیرش قرار می‌گیرد و فرزندان ضمن احترام به والدین می‌توانند به مخالفت با آنان بپردازند. جهت‌گیری هم‌نواپی نیز عبارت است از مقداری که خانواده‌ها بر روی یکسان بودن نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید تأکید می‌کنند که الگوهای ارتباطات خانواده خوانده می‌شوند (سرگین و فلورا^۵، ۲۰۱۸). تحقیقات نشان داده که بین کارکرد خانواده و نحوه ارتباط درون خانواده بر رفتارهای اجتماعی به‌ویژه مسئولیت‌پذیری رابطه معناداری وجود دارد، یعنی ارتباط صمیمانه والدین همراه با تشویق باعث احساس بهتر فرزندان نسبت به خود شده و منجر به مسئولیت‌پذیری بیشتر آنان می‌شود (ویس^۶، ۲۰۲۲). همچنین نتایج پژوهش‌های دیگر نشان داده‌اند که اگر نوجوانان احساس کنند که اعضای خانواده توانایی تبادل اطلاعات را دارند؛ افکار و احساسات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند، یکدیگر را درک می‌کنند، تقسیم وظایف بین اعضای خانواده، عادلانه صورت می‌گیرد و برای مسائل یکدیگر ارزش قائل می‌شوند، در نتیجه مسئولیت‌پذیری بیشتری خواهند داشت (چنگ^۷ و همکاران، ۲۰۲۱).

یکی دیگر از ویژگی‌های مورد تأکید و مهم در دوره نوجوانی که در کسب مهارت مسئولیت‌پذیری نقش دارد سازه هوش هیجانی^۸ است (شیبانی فر و همکاران، ۱۴۰۰). مرگلر (۲۰۱۷) سه مؤلفه اصلی را برای مسئولیت‌پذیری شخصی مطرح کرد که شامل پاسخ‌گویی، خودتنظیمی و هوش هیجانی است. پاسخ‌گویی به معنی آگاهی فرد از اینکه انتخاب‌هایش به خودش تعلق دارد. مؤلفه پاسخ‌گویی مستلزم این احساس است که فرد افکار و پاسخ‌های رفتاری خود را خودش انتخاب کرده باشد؛ بنابراین افرادی که سطح عاملیت شخصی بالایی دارند مسئولیت‌پذیری شخصی بیشتری نیز دارند (ریچر^۹ و همکاران، ۲۰۲۲). خودتنظیمی به عنوان یکی از سازه‌های اصلی نظریه بندورا است و به این دلیل با مسئولیت‌پذیری شخصی تشابه دارد که بیانگر تلاش‌های فعالانه فرد برای کنترل افکار، احساسات و رفتارهایش برای دستیابی به اهداف است. فردی که خودتنظیم است از افکار، احساسات و پاسخ‌های آگاهی دارد و در رسیدن به هدف احساس می‌کند که می‌تواند با تلاش‌های شخصی خود به پیامدهای مطلوب برسد (بیرد^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۱). مؤلفه هوش هیجانی، شامل تعامل بین فرآیندهای شناختی و تجارب عاطفی است. هوش هیجانی بیانگر این ادراک است که فرد خودش را مسئول تجارب هیجانی خود می‌داند (مک کن^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۰). هوش هیجانی را توانایی نظارت بر احساسات و هیجانات خود و دیگران و چگونگی ارزیابی هیجان‌ها، استفاده از آن‌ها و برقراری تعامل از این طریق تعریف می‌کنند. به عبارتی دیگر، توانایی ادراک و بیان هیجان‌ها، درونی سازی هیجان در اندیشه و استدلال و تنظیم هیجان‌ها در خود و دیگران را به هوش هیجانی تعبیر می‌کنند. هوش هیجانی در معنایی دیگر به توانایی ادراک مؤثر هیجان‌ها در خود و دیگران اطلاق می‌شود که منجر به تصمیم‌گیری مناسب، فهم هیجان‌ها و تنظیم و مدیریت آن‌ها می‌گردد (پرنیتز و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۰). شیبانی فر و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه بین هوش هیجانی با مسئولیت‌پذیری و انگیزه تحصیلی با مسئولیت‌پذیری تأیید شد و همچنین ضرایب رگرسیون متغیر پیش‌بین نشان می‌دهد که انگیزه تحصیلی و هوش هیجانی به

1 Sisi
 2 Claretta
 3 Saputri
 4 Hanson & Olson
 5 Segrin & Flora
 6 Weiss
 7 Cheng
 8 emotional intelligence
 9 Reicher
 10 Baird
 11 MacCann
 12 Prentice

نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین الگوی ارتباطی خانواده با مسئولیت‌پذیری شخصی در نوجوانان
The mediating role of emotional intelligence in the relationship between family communication pattern and personal ...

میزان می‌توانند مسئولیت‌پذیری دانش آموزان را پیش‌بینی نمایند. همچنین بر اساس پیشینه‌ی پژوهشی متغیر هوش هیجان می‌تواند به عنوان نقش واسطه در این پژوهش کارکرد داشته باشند، زیرا این متغیر می‌تواند از الگوی ارتباطی خانواده (سوسانتو و راجمادولا، ۲۰۱۹) تأثیر بگیرد و خود نیز بر مسئولیت‌پذیری شخصی تأثیر بگذارد (حسنیان و همکاران، ۱۴۰۰).

بنابراین مسئولیت‌پذیری و ایجاد این مهارت در نوجوانان از اهمیت زیادی برخوردار است. مسئولیت‌پذیری یک مهارت است و مانند هر نوع مهارتی آموختنی و اکتسابی است و از ابتدای زندگی به تدریج ایجاد می‌شود. پرداختن به مسئولیت‌پذیری در نوجوانان برای ساختن جامعه‌ای با آینده بهتر ضرورت دارد. همچنین نتایج تحقیقات صورت گرفته در مورد متغیرهای مورد نظر در این پژوهش، حاکی از آن است که بین آن‌ها رابطه وجود دارد اما به رغم اهمیت روان‌شناختی متغیرهای مذکور، پیش از این در هیچ پژوهشی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و مسئولیت‌پذیری شخصی به طور همزمان، مورد بررسی پژوهشگران قرار نگرفته است. تبیین مدل ارتباطی بین این متغیرها می‌تواند به کشف روش‌ها و استراتژی‌های علمی و عملی جهت افزایش مسئولیت‌پذیری شخصی در نوجوانان کمک کند. بنابراین این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین الگوی ارتباطی خانواده با مسئولیت‌پذیری شخصی نوجوانان انجام شد.

روش

طرح پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع مدلیابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر و پسر در مقاطع دوره متوسطه دوم شهر تهران در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بودند که به روش غیر تصادفی از نوع در دسترس از مدرسه نمونه دولتی پسرانه علامه شعرانی منطقه ۲ و نمونه دولتی دخترانه نیکان منطقه ۲ که مجموع دانش آموزان ۱۲۰۰ نفر بودند و نمونه‌ای به تعداد ۳۰۰ نفر انتخاب و پرسشنامه در بین آن‌ها توزیع شد. برای تعیین حجم نمونه لوهمین (۱۹۹۲) پیشنهاد می‌کند که برای بررسی مدل ساختاری که در آن ۴-۲ عامل شرکت دارند، پژوهشگر باید روی گردآوری دست کم ۱۰۰ تا ۲۰۰ مورد برنامه‌ریزی کند. کاربرد نمونه‌های کوچک‌تر می‌تواند موجب عدم حصول همگرایی و به دست آوردن نتایج نامناسب و یا دقت پایین برآورد پارامترها و به‌ویژه خطاهای استاندارد شود (هومن، ۱۳۸۴)؛ همچنین در پرسشنامه‌ها برای رعایت اصول اخلاقی این عنوان قید شده بود که اطلاعات هر پرسشنامه کاملاً به صورت محرمانه خواهد بود. ملاک ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، قرار داشتن در رده سنی ۱۴ تا ۱۸ سال، در یک سال گذشته تحت درمان با داروهای روان‌پزشکی نبوده باشند و تحصیل در دو مدرسه مذکور و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و پرسشنامه‌های محدودش و ناقص بود. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری و با نرم‌افزارهای SPSS-۲۴ و AMOS-۲۴ تحلیل شدند.

ابزار سنجش

مقیاس مسئولیت‌پذیری شخصی برای نوجوانان^۲ (PRSA): این مقیاس را مرگلر و شیلد^۳ (۲۰۱۶) تهیه کردند. این مقیاس ۱۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرتی چهار گزینه‌ای بین یک (کاملاً مخالفم) تا چهار (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس دارای سه مؤلفه پاسخگویی شخصی، کنترل رفتاری/هیجانی و کنترل شناختی است. دامنه امتیاز این پرسشنامه بین ۱۵ تا ۶۰ است. هر چه امتیاز حاصل شده از این مقیاس بیشتر باشد، نشان‌دهنده میزان بیشتر مسئولیت‌پذیری شخصی برای نوجوانان است و بالعکس. مرگلر و شیلد (۲۰۱۶) پایایی این مقیاس را به روش آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌های پاسخگویی شخصی، کنترل رفتاری/هیجانی و کنترل شناختی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۱ و ۰/۷۱ به دست آوردند. آنان همچنین، روایی این مقیاس را به دو روش تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی مورد بررسی قرار دادند. آنان در تحلیل عامل اکتشافی مقدار ضریب KMO را ۰/۸۹ و شاخص کروییت بارتلت را $P=0/001$ ۴۸۱۲/۳۹ گزارش دادند. نتیجه‌ی تحلیل عامل اکتشافی استخراج ۳۳ گویه در سه عامل بود. در تحلیل عامل تأییدی ۱۵ گویه در سه عامل مورد تأیید قرار گرفت و شاخص‌های برازش مدل نیز مطلوب بود. همچنین روایی این پرسشنامه نیز با استفاده از روایی محتوایی (۰/۸۱) نشان‌دهنده‌ی روایی مناسب برای این مقیاس بود (مرگلر و شیلد، ۲۰۱۶). در پژوهشی که توسط جوکار و همکاران (۱۳۹۸) انجام شد،

1 Susanto & Rachmadtullah

2 Personal Responsibility Scale for Adolescents

3 Mergler & Shield

پایایی این مقیاس برای زیر مقیاس‌های پاسخگویی شخصی، کنترل رفتاری/هیجانی و کنترل شناختی با استفاده از روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۷۰ و ۰/۹۳ به دست آوردند و برای کل مقیاس ۰/۹۲ به دست آمد. همچنین روایی این پرسشنامه نیز با استفاده از روایی محتوایی (۰/۸۶) نشان‌دهنده‌ی روایی مناسب برای این مقیاس بود. نتایج حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس نشان داد که تمام ۱۵ گویه تشکیل دو عامل مجزا می‌دهند: کنترل شناختی/پاسخگویی و کنترل رفتاری/هیجانی. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای مقیاس مسئولیت‌پذیری شخصی، ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده^۱ (FCPQ): این پرسشنامه توسط کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) تهیه شده است و دارای ۱۲ گویه است که دارای دو زیر مؤلفه جهت‌گیری گفت‌وگوشنود و جهت‌گیری هم‌نواپی است. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای، بین یک (خیلی کم) تا پنج (خیلی زیاد) نمره‌گذاری می‌شود. کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ را برای جهت‌گیری گفت و شنود (۰/۸۹) و برای جهت‌گیری هم‌نواپی (۰/۷۹) به دست آوردند. در پژوهش ساویتا گوپتا (۲۰۱۹) روایی این پرسشنامه با استفاده از روایی محتوایی (۰/۷۹) نشان‌دهنده‌ی روایی مناسب برای این مقیاس بود. ضریب پایایی به روش بازآزمایی در فاصله چهار هفته‌ای برای جهت‌گیری گفت‌وگوشنود ۰/۹۹ و برای جهت‌گیری هم‌نواپی در دامنه‌ی ۰/۷۳ تا ۰/۹۳ گزارش شده است (کوروش نیا و لطیفیان، ۱۳۸۴). در پژوهش مام‌شریفی و همکاران (۱۴۰۰) روایی این پرسشنامه را با استفاده از روایی محتوایی برای جهت‌گیری گفت‌وگوشنود (۰/۸۸) و جهت‌گیری هم‌نواپی (۰/۸۳) بدست آوردند که نشان‌دهنده‌ی روایی مناسب برای این مقیاس بود و همچنین پایایی این ابزار به وسیله‌ی ضریب آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری گفت‌وگوشنود ۰/۹۴ و برای جهت‌گیری هم‌نواپی ۰/۹۰ به دست آمد. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری گفت و شنود ۰/۸۴ و برای جهت‌گیری هم‌نواپی ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسشنامه هوش هیجانی^۲ (EIQ): این پرسشنامه هوش هیجانی توسط برادبری و گریوز (۲۰۰۵) ساخته شده است و توسط گنجی (۱۳۸۴) ترجمه و ویراستاری گردید. این آزمون شامل ۲۸ گویه است و چهار مؤلفه خودآگاهی، خود مدیریت، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه را می‌سنجد. این پرسشنامه در یک مقیاس لیکرتی شش گزینه‌ای بین یک (هرگز) تا شش (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. جمع نمراتی که آزمودنی در هر یک از سؤالات کسب می‌کند نمره کل آزمون را تشکیل می‌دهد، نمره بالاتر از ۸۰ نشان دهنده هوش هیجانی بالا و نمره پایین‌تر از ۶۰ نشان دهنده هوش هیجانی پایین است. ضریب پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای خودآگاهی ۰/۷۳، خود مدیریت ۰/۸۷، آگاهی اجتماعی ۰/۷۸، مدیریت روابط ۰/۷۶ و نمره کل ۰/۷۸ به دست آمد. به علاوه آزمون در گروه ۳۸۴ نفری دیگر (۱۱۵ پسر، ۱۳۹ دختر) فقط یک بار اجرا شد و ضریب پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بود. برای تعیین روایی، این آزمون به همراه آزمون بار-آن در یک گروه ۹۷ نفری اجرا شد که ضریب همبستگی ۰/۶۸، در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار بود (گنجی، ۱۳۸۴). گنجی و همکاران (۱۳۸۵) ضرایب پایایی خرده مقیاس‌های خودآگاهی، خود مدیریت، آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط را با روش بازآزمایی در فاصله زمانی پنج هفته‌ای بر روی ۳۶۰ دانشجو، به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۸۷، ۰/۷۸ و ۰/۷۶ و ضریب پایایی کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ را ۰/۹۰ و نیز روایی همگرایی آن با آزمون هوش هیجانی بار-آن ۰/۶۸ به دست آوردند. در پژوهش حاضر ضریب پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد.

یافته‌ها

گروه نمونه شامل ۱۵۴ (۵۱/۳ درصد) دانش‌آموز دختر و ۱۴۶ (۴۸/۷ درصد) دانش‌آموز پسر بودند و میانگین سنی این افراد ۱۶/۳۰ با انحراف معیار ۰/۸۱ سال بود. همچنین ۱۳۳ (۴۴/۳ درصد) نفر پایه دهم، ۱۰۲ (۳۴ درصد) نفر پایه یازدهم و ۶۵ (۲۱/۷ درصد) نفر پایه دوازدهم بودند. جدول ۱ ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

1 Family Communication Pattern Questionnaire

2 Emotional Intelligence Questionnaire

نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین الگوی ارتباطی خانواده با مسئولیت‌پذیری شخصی در نوجوانان
The mediating role of emotional intelligence in the relationship between family communication pattern and personal ...

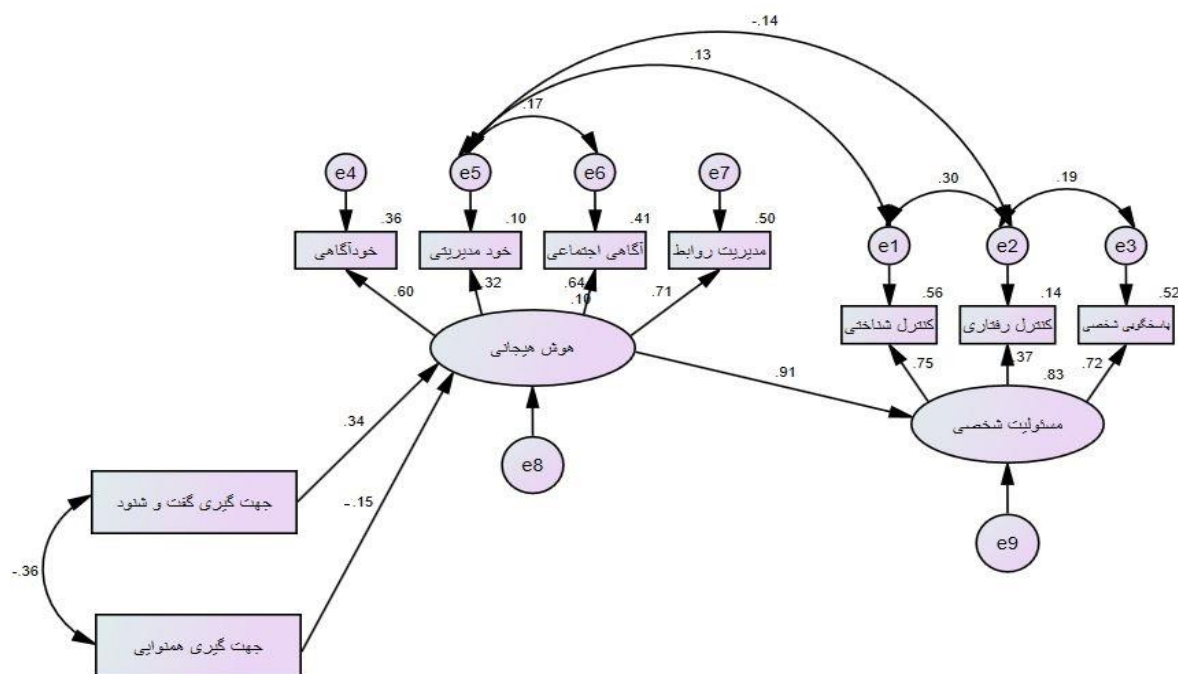
جدول ۱. ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
۱. جهت‌گیری گفت‌وشنود	۱				۲۰/۸۲	۶/۳۶	-۰/۳۳	-۰/۶۲
۲. جهت‌گیری همنوایی	**۰/۳۵	۱			۱۷/۰۷	۵/۹۲	۰/۴۲	-۰/۹۸
۳. هوش هیجان	**۰/۴۱	**۰/۲۹	۱		۱۲۹/۱۸	۱۳/۷۹	-۰/۱۳	-۰/۹۴
۴. مسئولیت‌پذیری شخصی	**۰/۴۸	**۰/۳۶	**۰/۶۶	۱	۴۹/۶۱	۷/۲۳	-۰/۴۸	-۰/۴۸

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

همان‌طور که در جدول ۱ دیده می‌شود، بین مسئولیت‌پذیری شخصی با جهت‌گیری گفت‌وشنود ($r = 0.48, p < 0.01$)، مسئولیت‌پذیری شخصی با جهت‌گیری همنوایی ($r = -0.36, p < 0.01$)، مسئولیت‌پذیری شخصی با هوش هیجان ($r = 0.66, p < 0.01$) رابطه معنادار وجود داشت.

قبل از انجام تحلیل معادلات ساختاری، نرمال بودن متغیر ملاک (مسئولیت‌پذیری شخصی)، استقلال خطاها و هم خطی متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف با (آماره 0.32 و $p > 0.05$) نشان از نرمال بودن متغیر مسئولیت‌پذیری شخصی است. طبق آماره دوربین واتسون که محدوده قابل قبول آن $1/5$ تا $2/5$ است (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۷)، در تحقیق حاضر میزان آن برای متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری شخصی ($1/91$)، حاکی از استقلال خطاها است. یکی از شروط دیگر، عدم هم خطی متغیرهای پیش‌بین است و معیار سنجش این شرط، عامل تورم واریانس است. چنانچه این عامل عددی کمتر از 10 داشته باشد عدم هم خطی متغیرها تأیید می‌شود. در پژوهش حاضر، عامل تورم واریانس در تمامی متغیرها کوچک‌تر از 10 بود و عدم هم خطی تأیید شد (حبیب‌پورگتایی، کرم و صفری شالی، ۱۳۹۵). به منظور آزمون مدل مورد نظر یعنی بررسی نقش واسطه‌گری هوش هیجانی از روش تحلیل مسیر استفاده شد. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل اصلاح شده پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری شخصی در نوجوانان بر اساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش واسطه‌ای هوش هیجانی

در شکل ۱ مدل اصلاح شده‌ی پژوهش حاضر پس از حذف مسیرهای غیر معنادار رسم شده است. بدین معنا که مسیرهایی که معنادار نبودند (یعنی مسیر جهت‌گیری گفت‌وشنود - مسئولیت‌پذیری شخصی، مسیر جهت‌گیری همنوایی - مسئولیت‌پذیری شخصی) اصلاح و

حذف شدند ($p > 0/001$). این مسیرها در مدل اولیه معنادار نبودند و بعد از اصلاح مدل و برای برازش مناسب مدل حذف شدند و همچنین مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش با مسئولیت‌پذیری شخصی در جدول ۲ و ۳ ذکر شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	سطح معناداری
هوش هیجان	مسئولیت‌پذیری شخصی	۰/۶۳	۰/۰۷	۸/۳۸	۰/۰۰۱
جهت‌گیری گفت‌و شنود	هوش هیجان	۰/۱۳	۰/۰۲۶	۵/۲۶	۰/۰۰۱
جهت‌گیری همنوایی	هوش هیجان	-۰/۰۶	۰/۰۲	-۲/۴۹	۰/۰۱۳

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهای مستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از $\pm 1/96$ است تأثیر معنی‌داری ($p < 0/001$) بر متغیر ملاک دارند و مسیرهای غیر معنادار از مدل حذف شدند.

جدول ۳. ضرایب مسیر غیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده با بوت استرپ

مسیر	Bootstrap	سطح معناداری
جهت‌گیری گفت‌و شنود ← هوش هیجان ← مسئولیت‌پذیری شخصی	۰/۳۵	۰/۰۰۱
جهت‌گیری همنوایی ← هوش هیجان ← مسئولیت‌پذیری شخصی	۰/۱۴	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود برای بررسی نقش متغیرهای واسطه از روش بوت استرپ استفاده گردید. نتایج نشان داد که سیستم جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری همنوایی از طریق هوش هیجان قادر به پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری شخصی هستند. در جدول ۳ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده ذکر شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌های برازش		نام شاخص
مقدار	حد مجاز	
۱/۰۱	کمتر از ۵	$\frac{\chi^2}{f}$
۰/۰۱	کمتر از ۰/۰۸	RMSEA ¹ (ریشه میانگین مربعات خطای برآورد)
۰/۹۷	بالاتر از ۰/۹	GFI ² (شاخص نیکویی برازش)
۰/۹۹	بالاتر از ۰/۹	AGFI ³ (شاخص نیکویی برازش اصلاح شده)
۰/۹۹	بالاتر از ۰/۹	CFI ⁴ (شاخص برازش تطبیقی)
۰/۹۷	بالاتر از ۰/۹	NFI ⁵ (شاخص برازش نرم شده)

شاخص‌های برازش در جدول ۴ نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح شده است. با توجه به شکل ۲ و جدول ۲ جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری همنوایی به صورت غیر مستقیم از طریق هوش هیجانی توانستند مسئولیت‌پذیری شخصی را پیش‌بینی کند.

1 Root Mean Square Error Approximation
2 Goodness of Fit Index
3 Adjusted Goodness of Fit Index
4 Comparative Fit Index
5 Normed Fit Index

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری شخصی در نوجوانان بر اساس الگوی ارتباطی خانواده با نقش واسطه‌ای هوش هیجانی انجام شد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی به صورت غیر مستقیم از طریق هوش هیجانی توانستند مسئولیت‌پذیری شخصی را پیش‌بینی کند. این یافته با نتایج یافته‌های پیشین همسو بود (فرداد و همکاران، ۱۴۰۰؛ حسینیان و همکاران، ۱۴۰۰؛ سوسانتو و راجمادولا، ۲۰۱۹؛ شیبانی فر و همکاران، ۱۴۰۰). شیبانی فر و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه بین مسئولیت‌پذیری با انگیزه تحصیلی و مسئولیت‌پذیری با هوش هیجانی تأیید شد و همچنین ضرایب رگرسیون متغیر پیش‌بین نشان می‌دهد که انگیزه تحصیلی و هوش هیجانی به میزان می‌توانند مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را پیش‌بینی نمایند همتی علمدار لو و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود بیان کردند که جهت‌گیری گفت‌و شنود به صورت مثبت و جهت‌گیری هم‌نوایی به صورت منفی با هوش هیجانی رابطه دارد. همچنین یافته‌های رگرسیون چندگانه نشان داد که جهت‌گیری گفت‌و شنود پیش‌بینی کننده مثبت و معنی‌دار هوش هیجانی و خرده مقیاس‌های آن و جهت‌گیری هم‌نوایی پیش‌بینی کننده منفی و معنی‌دار مدیریت روابط و هوش هیجانی است.

در تبیین این یافته می‌توان ادعان کرد که از آنجا که در خانواده‌هایی با جهت‌گیری گفت‌و شنود تمام اعضای خانواده تشویق به آن می‌شوند آزادانه و کاملاً عادلانه با همدیگر بحث و تبادل نظر داشته باشند و همچنین با استفاده از این نوع جهت‌گیری افراد در برخورد با مشکلات الگویی را برای حل مشکل در نظر می‌گیرند که کار ساز است و از سویی دیگر در این خانواده‌ها سطح ارتباطات درون خانوادگی بالاست، فرزندان از حمایت اجتماعی خوبی برخوردارند، شخصیت آن‌ها به صورت اصولی و درست پرورش یافته و طرح‌واره‌های آن‌ها به خوبی شکل گرفته، سبک دلبستگی در فرزندان چنین خانواده‌هایی از نوع ایمن است و همچنین از بهزیستی روان‌شناختی بالایی برخوردارند (کلارثا و همکاران، ۲۰۲۲). می‌توان گفت در چنین خانواده‌هایی الگویی حاکم است که مشارکت همه‌ی خانواده در مورد مسائل مختلف در این خانواده‌ها ضروری است و همین مشارکت همه جانبه افراد خانواده را به نوعی غیرمستقیم به سمت فراگیری مهارت‌های کارآمد و مفید در مواجهه با مسائل و مشکلات می‌کند که این مهارت‌ها می‌توانند به عنوان عامل ارتقا مسئولیت‌پذیری در نوجوانان عمل کنند (سرگین و فلورا، ۲۰۱۸). زمانی که جهت‌گیری گفت‌و شنود وجود داشته باشد، بستر مناسبی برای ارتقا هوش هیجانی برای نوجوانان را فراهم آورده که در نتیجه آن، نوجوانانی که از هوش هیجان خوبی برخوردارند، هنگام کار کردن سعی می‌کنند با معنادار کردن اطلاعات، ایجاد ارتباط منطقی با اطلاعات قبلی، کنترل چگونگی این فرآیند و ایجاد محیط یادگیری مناسب مطالب را یاد بگیرند و عملکرد خود را بالا ببرند؛ یعنی با استفاده از هوش هیجانی بر چگونگی یادگیری خود واقف هستند؛ بدین معنا که با این کار می‌توانند درک عمیق‌تری از محیط خود پیدا کنند و بدون قضاوت کردن افرادی که در آن محیط قرار دارند کار خود را انجام دهند. آن‌ها اغلب از راهبردهای مناسب و کاربردی استفاده می‌کنند و در بیشتر موارد محیط را به عنوان چالش در نظر می‌گیرند و از آن به عنوان فرصتی برای بهتر بودن استفاده می‌کنند. آن‌ها با کوشش برای موفقیت، استفاده مناسب از راهبردهای یادگیری و نشان دادن سطح بالایی از احساس کارآمدی به کیفیت زندگی قابل ملاحظه‌ای دست می‌یابند. نوجوانانی که هوش هیجانی در آن‌ها بالاست نسبت به خود خودآگاهی یا آگاهی از خویشتن دارند یعنی این‌که نقاط قوت و ضعف خود، انگیزه‌ها و ارزش‌هایشان و نیز تأثیری را که روی دیگران دارند می‌شناسند. همچنین آن‌ها می‌توانند رفتارهای خود را به نحو درستی تنظیم کنند و تکانه‌ها و انگیزه‌های لحظه‌ای و خلق خود را در وضعیت مختل کننده و مزاحم، کنترل کرده یا جهت آن‌ها را تغییر دهند. هوش هیجانی بالا باعث می‌شود که در افراد انگیزش و خود انگیزشی ارتقا پیدا کند و همچنین با افراد دیگر همدلی داشته باشند و وضعیت احساسی دیگران را درک کنند و بتوانند از دریچه‌ی چشم آن‌ها جهان را ببینند؛ پس در نتیجه وجود هوش هیجانی بالا، شاهد ارتقا مسئولیت‌پذیری شخصی در نوجوانان خواهیم بود.

از سویی دیگر در خانواده‌هایی با الگوی هم‌نوایی شاهد الگویی برعکس الگوی جهت‌گیری گفت‌و شنود هستیم، بدین معنا که در آن روابط دوطرفه تعریف نشده است و سبک دستوری و استبدادی در آن حاکم است، فرزندان به اجبار در هر حالتی فقط باید پیرو دستورات باشند و نظر و عقیده‌ی آن‌ها در مورد مسائل و موضوعات مختلف نادیده گرفته می‌شود (کلارثا و همکاران، ۲۰۲۲)؛ بنابراین در خانواده‌هایی که دارای بعد هم‌نوایی قوی هستند با توجه به اینکه والدین کمتر زمینه رشد شخصی را به فرزندان به دلیل سلطه بیش از حد پدید می‌آورند؛ بنابراین فرزندان پرورش یافته در این خانواده‌ها دارای تاب‌آوری کمتری خواهند بود. به دلیل وجود روابط جزمی درون خانواده و تصمیم‌گیری یک‌طرفه والدین این احساس در کودکان پدید خواهد آمد که توانایی و صلاحیت تصمیم‌گیری را ندارند. در نتیجه به تدریج

فرزندان شخصیت وابسته‌ای پیدا می‌کنند که استقلال کافی در انجام امور خود را نداشته و در مواجهه با مشکلات به دلیل آنکه فضای مناسبی برای رشد هوش هیجانی در آن‌ها شکل نگرفته، کمتر در مهارت‌های مهمی همچون پاسخگویی شخصی، کنترل رفتاری و کنترل شناختی موفق هستند و در نتیجه مسئولیت‌پذیری شخصی در این افراد رشد مناسبی نداشته و این افراد در ارتباطات و زندگی خود با چالش‌های مختلفی رو به رو خواهند شد.

به طور کلی می‌توان از یافته‌های این پژوهش نتیجه گرفت که عوامل روان‌شناختی متعددی در تعامل با همدیگر می‌توانند در مسئولیت‌پذیری شخصی نوجوانان نقش داشته باشند. در این پژوهش به بررسی نقش متغیرهای الگوی ارتباطی خانواده با نقش میانجی هوش هیجانی در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری شخصی نوجوانان پرداخته شد که نتایج نشان داد الگوی ارتباطی خانواده و هوش هیجانی نقش کلیدی در مسئولیت‌پذیری شخصی نوجوانان دارند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر در برنامه‌های ارتقای مسئولیت‌پذیری شخصی ضروری است.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نوع روش پژوهش اشاره کرد که به تبع از نظر تعیین روابط علت و معلولی محدودیت دارند. همچنین به دلیل استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، در تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌ها باید احتیاط نمود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از روش نمونه‌گیری تصادفی برای بررسی این متغیرها استفاده شود تا تعمیم آن به سایر جوامع آماری آسان‌تر شود و همچنین به متغیرهای دیگری که می‌توانند مسئولیت‌پذیری شخصی در نوجوانان را افزایش دهند، توجه نمود.

منابع

- افشاری، م؛ خیاطان، ف؛ و یوسفی، ز. (۱۴۰۱). مقایسه اثربخشی بسته درمان پذیرش و تعهد واقعیت‌گرا و درمان شناختی رفتاری بر اهمال‌کاری و مسئولیت‌پذیری دختران نوجوان. *خانواده‌درمانی کاربردی*، ۳(۲)، ۱-۱۹. <https://dx.doi.org/10.22034/afjt.2022.313663.1246>
- برادبری، ت؛ و گریوز، ج. (۲۰۰۵). هوش هیجانی (مهارت‌ها و آزمون‌ها). ترجمه مهدی گنجی، ۱۳۸۴. تهران: نشر ساوالان.
- حبیب‌پورگنجابی، ک و صفری شالی، ر (۱۳۹۵). *راهنمای جامع کاربرد Spss در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌ها کمی)*. نشر مبتکران.
- حسینیان، ز؛ فتاحی، آ؛ امینی، ر؛ غفاری، م؛ و شادی، د. (۱۴۰۰). بررسی ارتباط هوش هیجانی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی در پرستاران. *نشریه پژوهش پرستاری ایران*، ۱۶ (۳)، ۳۹-۴۶. <http://ijnr.ir/article-1-2296-fa.html>
- سهرابی، ف؛ مام شریفی، پ؛ رافعی، ز؛ و اعظمی، ی. (۱۳۹۷). پیش‌بینی آمادگی به اعتیاد بر اساس سلامت روان، حمایت اجتماعی و ابعاد شخصیتی روان‌رنجورخویی و توافق‌پذیری. *روان پرستاری*، ۶(۶)، ۵۷-۶۶. <http://dx.doi.org/10.21859/ijpn-06067>
- شاکری، م؛ نیکدل، ف؛ و تقوایی نیا، علی. (۱۳۹۹). بررسی نقش واسطه‌ای مسئولیت‌پذیری در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و ادراک از محیط کلاس با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، ۱۷(۱)، ۲۳-۳۴. <https://dx.doi.org/10.22070/tlr.2021.9771.0>
- شیبانی فر، ر؛ ذوالفقاری، ع؛ محمدی جلالی، م؛ و گودرزی، ز. (۱۴۰۰). پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری بر اساس انگیزش تحصیلی و هوش هیجانی در میان دانش‌آموزان مقطع ابتدایی. *پویش در آموزش علوم انسانی*، ۷(۲۵)، ۱-۱۲. <https://dori.net/dor/20.1001.1.27172260.1400.7.25.1.5>
- فرداد، ف؛ دوکانه ای فرد، ف؛ و میرهاشمی، م. (۱۴۰۰). الگوی ساختاری تعهد زناشویی براساس الگوهای ارتباطی در زنان: نقش واسطه‌ای هوش هیجانی. *خانواده درمانی کاربردی*، ۱۲(۱)، ۱-۲۲. <https://dx.doi.org/10.22034/afjt.2021.259404.1033>
- کوروش‌نیا، م؛ لطیفیان، م. (۱۳۸۶). بررسی رابطه ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده با میزان اضطراب و افسردگی فرزندان. *خانواده پژوهی*، ۳(۲)، ۵۸۷-۶۰۰. https://jfr.sbu.ac.ir/article_96933.html
- مام شریفی، پ؛ سهرابی، ف؛ و برجعلی، ا. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای راهبردهای مقابله‌ای در رابطه بین الگوی ارتباطی خانواده و آمادگی به اعتیاد. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*، ۱۵ (۵۹)، ۳۳۴-۳۱۱. <http://dx.doi.org/10.52547/etiadpajohi.15.59.311>
- همتی علمدارلو، ق؛ محمداسماعیل بیگی، ح؛ و انجم شعاع، م. (۱۳۹۷). نقش الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی هوش هیجانی دانش‌آموزان با اختلال یادگیری خاص. *فصلنامه سلامت روان کودک*، ۵ (۳)، ۱۲۵-۱۱۵. <http://childmentalhealth.ir/article-1-275-fa.html>
- Allen, T. D., Cho, E., Shockley, K. M., & Biga, A. (2018). A cross-national view of personal responsibility for work-life balance. In K. M. Shockley, W. Shen, & R. C. Johnson (Eds.), *The Cambridge handbook of the global work-family interface* (pp. 733-745). Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781108235556.040>
- Baird, H. M., Webb, T. L., Sirois, F. M., & Gibson-Miller, J. (2021). Understanding the effects of time perspective: A meta-analysis testing a self-regulatory framework. *Psychological Bulletin*, 147(3), 233. <https://doi.org/10.1037/bul0000313>
- Birkeland, M. S., Breivik, K., & Wold, B. (2014). Peer acceptance protects global self-esteem from negative effects of low closeness to parents during adolescence and early adulthood. *Journal of youth and adolescence*, 43(1), 70-80. <https://doi.org/10.1007/s10964-013-9929-1>
- Cai, M. (2022). Influence of Social Media on Corporate Communication Social Responsibility under Entrepreneurial Psychology. *Frontiers in psychology*, 13, 870373. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.870373>

The mediating role of emotional intelligence in the relationship between family communication pattern and personal ...

- Cheng, W. Y., Cheung, R. Y., & Chung, K. K. H. (2021). Understanding adolescents' perceived social responsibility: The role of family cohesion, interdependent self-construal, and social trust. *Journal of Adolescence*, 89, 55-62. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2021.04.001>
- Claretta, D., Rachmawati, F., & Sukaesih, A. (2022). Communication Pattern Family and Adolescent Mental Health for Strawberry Generation. *International Journal of Science and Society*, 4(3), 79-93. <https://doi.org/10.54783/ijssoc.v4i3.501>
- Fitzpatrick, M. A. (2004). Family communication patterns theory: Observations on its development and application. *Journal of Family Communication*, 4(3-4), 167-179. <https://doi.org/10.1080/15267431.2004.9670129>
- Hanson, T. A., & Olson, P. M. (2018). Financial literacy and family communication patterns. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 19, 64-71. <https://doi.org/10.1016/j.jbef.2018.05.001>
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Toward a theory of family communication. *Communication theory*, 12(1), 70-91. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2885.2002.tb00260.x>
- LaFreniere, J. R., & Kulkarni, C. (2022). Relational Satisfaction as a Mediator of Parent-Young Adult Conflict and Young Adults' Emotional Labor. *Journal of Family Communication*, 22(1), 71-78. <https://doi.org/10.1080/15267431.2021.1998065>
- Mameli, C., Molinari, L., & Passini, S. (2019). Agency and responsibility in adolescent students: A challenge for the societies of tomorrow. *The British journal of educational psychology*, 89(1), 41-56. <https://doi.org/10.1111/bjep.12215>
- MacCann, C., Jiang, Y., Brown, L. E., Double, K. S., Bucich, M., & Minbashian, A. (2020). Emotional intelligence predicts academic performance: A meta-analysis. *Psychological bulletin*, 146(2), 150. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/bul0000219>
- Mergler, A., Spencer, F. H., & Patton, W. (2007). Relationships between personal responsibility, emotional intelligence, and self-esteem in adolescents and young adults. *The Educational and Developmental Psychologist*, 24(1), 5-18. <https://doi.org/10.1017/S0816512200029060>
- Mergler, A., & Shield, P. (2016). Development of the Personal Responsibility Scale for adolescents. *Journal of adolescence*, 51, 50-57. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2016.05.011>
- Mergler, A. (2017). Personal responsibility: An integrative review of conceptual and measurement issues of the construct. *Research Papers in Education*, 32(2), 254-267. <https://doi.org/10.1080/02671522.2016.1225801>
- Orben, A., Tomova, L., & Blakemore, S. J. (2020). The effects of social deprivation on adolescent development and mental health. *The Lancet Child & Adolescent Health*, 4(8), 634-640. [https://doi.org/10.1016/s2352-4642\(20\)30186-3](https://doi.org/10.1016/s2352-4642(20)30186-3)
- Palamarchuk, O., Fasolko, T., Botsian, T., Kashchuk, K., Klimova, I., & Bezchotnikova, S. (2022). Personal Responsibility as a Problem of Development of Postmodern Society. *Postmodern Openings*, 13(1), 267-290. <https://doi.org/10.18662/po/13.1/396>
- Pramono, F. (2020). Analysis of the family's communication pattern and the benefits of mother school program for building a harmonious family. *Informasi*, 50(1), 1-14. <https://doi.org/10.21831/informasi.v50i1.30136>
- Prentice, C., Dominique Lopes, S., & Wang, X. (2020). Emotional intelligence or artificial intelligence—an employee perspective. *Journal of Hospitality Marketing & Management*, 29(4), 377-403. <https://doi.org/10.1080/19368623.2019.1647124>
- Susanto, R., & Rachmadtullah, R. (2019). Model of pedagogic competence development: Emotional intelligence and instructional communication patterns. *International Journal of Scientific and Technology Research*, 8(10), 2358-61. <https://doi.org/10.13189/ijer.2019.071010>
- Rapee, R. M., Oar, E. L., Johnco, C. J., Forbes, M. K., Fardouly, J., Magson, N. R., & Richardson, C. E. (2019). Adolescent development and risk for the onset of social-emotional disorders: A review and conceptual model. *Behaviour research and therapy*, 123, 103501. <https://doi.org/10.1016/j.brat.2019.103501>
- Reicher, S., Michie, S., & West, R. (2022). The UK government's "personal responsibility" policy for covid is hypocritical and unsustainable. *BMJ (Clinical research ed.)*, 378, o1903. <https://doi.org/10.1136/bmj.o1903>
- Saputri, S. W. D., Khutobah, K., & Risqiana, D. (2020). Mother-Child Communication Pattern on Awe-Awe Doer Family: A Study in Kalibaru Manis Village Banyuwangi Regency. *Pancaran Pendidikan*, 9(4). <https://doi.org/10.25037/pancaran.v9i4.316>
- Savita Gupta, G. (2019). Family communication patterns questionnaire: Development and validation. *International Journal of Recent Technology and Engineering (IJRTE)*, 8, 542-550. <https://www.ijrte.org/wp-content/uploads/papers/v8i1C2/A10890581C219.pdf>
- Segrin, C., & Flora, J. (2018). *Family communication*. Routledge.
- Sisi, L. Y. (2020). *Family Conflict in Functional Family Therapy: Exploring Therapists' Experiences during Midtreatment*. Alliant International University.
- Vijayakumar, N., Op de Macks, Z., Shirliff, E. A., & Pfeifer, J. H. (2018). Puberty and the human brain: Insights into adolescent development. *Neuroscience and biobehavioral reviews*, 92, 417-436. <https://doi.org/10.1016/j.neubiorev.2018.06.004>
- Wang, T. T., Mathur, M. R., & Schmidt, H. (2020). Universal health coverage, oral health, equity and personal responsibility. *Bulletin of the World Health Organization*, 98(10), 719-721. <https://doi.org/10.2471/BLT.19.247288>
- Watson, K., Van Der Laan, L., & Imran, S. (2021). Personal Responsibility and the Role of Self-Identity in Adolescents; A Female Regional Australian Perspective. *International Journal of Humanities and Social Science*, 11(9), 14-23. <https://www.ijhssnet.com/journal/index/4776>
- Weiss, H. (2022). A Family Matter: Responsibility and Selfishness in Spanish Households. *Feminist Anthropology*, 3(1), 106-119. <https://doi.org/10.1002/fea2.12078>